

این چه بانگ آشنایی ست؟ ای ستاره درخشان کربلا، هنوز صدای هل من ناصر
ینصرنی تو را می شنوم، آیا تو صدای مرا می شنوی؟ آیا دست های خواهشم را که
نیاز آلود تو را می خوانند می بینی؟ چگونه نگاهم را که سرشار از عشق توست با
نگاهی گرم و عاشقانه پاسخ می گویی؟ ای ستاره درخشان عاشورا، چه می شود اگر
از اوج آسمان نظری به ما خاکیان زمینی بیفکنی؟ بدان که تا همیشه تاریخ «انی سلم
لمن سالکم و حرب لمن حاربکم»

ای پاک تر از باران ای ماه جهان آرا/ پرنور تر از خورشید ای اختر عاشورا
هر قطره عشق تو دریای محبت شد/ در خانه ی قلب ماعشق تو عادت شد
پرواز اگر کردند یاران به سوی جانان/ آموخته اند از تو اینگونه گذشت از جان
همچون صدف دریا در قلب گهر داری/ چون کوه پر از آتش در سینه شرر داری
ای سخت تر از طوفان فریاد تر از فریاد/ پیمان تو را ای گل هرگز نبریم از یاد
افسوس اگر بودیم آن روز کنار تو/ بی شک همه می گشتیم هم دوش تو یار تو
هر کس که تو را دارد الگو ز تو می گیرد/ زنده است به نام تو از عشق تو می میرد
«انی سلم لمن سالکم و حرب لمن حاربکم»

امروز چو یارانت ما می گذریم از تن/ با دوست تو یاریم با دشمن تو دشمن